

ظرفیت سنجی آمار استنباطی در جهت استظهار عرف در فرایند اجتهاد

(نویسنده مسئول) مرتضی نیازی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
m.niazi@isu.ac.ir

دکتر محمدحسین بیاتی

استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه عدالت، تهران، ایران

دکتر مهدی حمزه پور

دانشیار گروه معارف اسلامی و مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

چکیده

عرف به معنای امر متداول بین مردم و عادت مسلم میان آنهاست و یکی از مهم‌ترین مفاهیم فقهی و اصولی به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین مباحث پیرامون عرف، نحوه استظهار آن می‌باشد. پیش از این راه‌های مختلفی همچون تحلیل وجدانی، عناصر شماری، استقراء، نقل و شهادت برای استظهار عرف پیشنهاد شده‌است. این پژوهش درصدد آن است تا یکی از شاخه‌های علم آمار به نام آمار استنباطی را به عنوان یکی از ابزارها در جهت استظهار عرف معرفی نماید. آمار استنباطی با استفاده از حساب احتمالات و منطقی روشن، براساس نمونه آماری، ویژگی‌هایی را به کل مجموعه تعمیم دهد. آمار استنباطی قادر است با تئوری تخمین یا آزمون فرضیه آماری نشان دهد آیا فرضیه مورد نظر با درصد اطمینان بالا در کل جامعه نیز صادق است یا خیر. آمار استنباطی می‌تواند با خطای پایین خود از دایره ظنون خارج شده و تا حد اطمینان فقیه یا مکلف را نسبت به استظهار صحیح نظر عرف در باب یک موضوع یاری رساند و یا لاقط قطع ناشی از وجدانیات وی را زیر سوال برده و با متزلزل ساختن آن، حجیت را از آن جدا کند که در این هنگام باید متناسب با موضوع مورد استنباط، به اصل عملی مربوط به آن مراجعه کرد.

کلمات کلیدی: عرف، استظهار عرف، آمار، آمار استنباطی، تئوری تخمین (برآورد)، قطع، حجیت

مقدمه:

امروزه جایگاه عرف در استنباط احکام شرعیه و دستورات دینی بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیاری از قواعد فقهی و اصولی به آیات و روایات مستند است و یکی از مناسب ترین مراجع برای تشخیص ظواهر عرف می باشد. تشخیص ظهوراتی نظیر ظهور امر و نهی و مصادیق قمار و غنا و... تنها گوشه ای از جایگاه عرف در منظومه استنباطی فقیه به شمار می رود. این اهمیت وقتی دو چندان می شود که بدانیم علاوه بر کاربرد عرف در علم اصول فقه که قواعد مشترکه همه ابواب فقهیه جهت استنباط احکام شرعیه است، در خود علم فقه نیز محدود به باب خاصی از ابواب فقهیه نمی باشد و از طهارت تا حدود و دیات شامل مواردی هستند که عرف در آنها نقش بسزایی دارد.

یکی از موارد بسیار مهم پیرامون بحث عرف، نحوه تشخیص آن است؛ به بیان دیگر با توجه به نقش بسیار مهم مرجعیت عرف عام در شناخت موضوعات احکام و مفاهیم عرفیه، از چه راه هایی می توان عرف را کشف کرد؟ این مساله تا جایی اهمیت دارد که گاهی فقها بر سر یک مساله در تشخیص عرف با یکدیگر به اختلاف بر خورده اند؛ به عنوان مثال مفهوم مال یک مفهوم عرفی است و این که چه مولفه هایی از مقومات مال شمرده می شود، باید از عرف و عادت عقلا فهمیده شود؛ در همین مساله فقها در تشخیص اینکه عرف چه چیزهایی را جزو مقومات مفهوم مالیت می داند، دچار اختلاف شدند. برخی فقها در تحقق مالیت، رفع حاجت و تحصیل با اعمال عمل را معتبر دانسته اند، اما برخی دیگر مدعی شدند که برای تحقق مالیت، لازم است شیء مورد نظر کمیاب باشد و این غلبه تقاضا بر عرضه موجب مورد رغبت واقع شدن آن شود. در راستای چگونگی استظهار عرف باید گفت علی رغم اهمیت نحوه استظهار عرف، در متون فقهی و اصولی به صورت مجزا مورد بحث و بازبینی قرار نگرفته است.

۴

از طرفی یکی از شاخه های علم آمار که آمار استنباطی یا تحلیل آماری نام دارد، در پی این است که با توجه به محدودیت های سرشماری نظیر هزینه، زمانبر بودن، در دسترس نبودن یا... می توان تحت ضوابطی خاص، نمونه گیری انجام داد و نتایج حاصل از آن نمونه را با توجه به قواعدی معلوم و تعریف شده با درصد خطای کم و قابلیت اطمینان بالا به کل جامعه تعمیم داد. در شرایطی که سرشماری امکان عملی نخواهد داشت، با در دست داشتن نمونه ای تصادفی و به اندازه کافی، با استفاده از تئوری تخمین، می توان در فاصله اطمینان تعریف شده و با درصد خطای معین که می توان به صورت حداکثری آن را کاهش داد، به پاسخی رسید که تا حدود بالایی با سرشماری یا همه شماری به دست می آید.

^۱ صدر، دروس فی علم الاصول، ۴/۶۱.

^۲ ابروانی نجفی، حاشیه المکاسب، ۱/۱۶۵.

^۳ حکیم، نهج الفقاهه، ۳۲۵.

^۴ علی دوست، فقه و عرف، ۳۹۲.

^۵ آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۲/۱.

در این پژوهش درصدد آن هستیم تا با بررسی دقیق آمار استنباطی و ضوابط حاکم بر آن، نشان دهیم یکی از راه های استظهار عرف استفاده از آمار استنباطی است به طوری که استفاده از آن می تواند در تشخیص نظر عرف عام به فقیه کمک کند و نتایج مربوط به استفاده از آن در حق فقیه حجیت خواهد داشت. تعیین یک چارچوب علمی برای تشخیص عرف عام باعث کاهش این اختلافات و تشخیص درست موضوعات در مواردی که تشخیص موضوع به عرف محول شده و در نتیجه استنباط احکام شرعیه فرعیه متقن تر خواهد شد. در این راستا می توان پاسخ به سوالات زیر را محور اصلی پژوهش حاضر به شمار آورد:

۱- ضوابط حاکم بر عرف چیست؟

۲- ضوابط حاکم بر آمار استنباطی چه می باشد؟

۳- آیا می توان برای تشخیص عرف عام در مسائل گوناگون از آمار استنباطی بهره جست؟

۴- با وجود همراهی همیشگی نتایج آمار استنباطی با خطا، آیا نتایج حاصل از آمار استنباطی در تشخیص عرف عام برای فقیه حجیت حاصل می کند یا خیر؟

پیش از پرداختن به سوالات بالا، باید پرسید تاکنون چه راه هایی برای استظهار عرف پیشنهاد شده است؟ این بحث با تمام اهمیت خود در میان موضوعات مختلف فقهی کمتر به آن پرداخته شده و جز در برخی بخش ها بحثی از آن به میان نیامده است؛ اما با دقت در آثار فقها می توان به چند مورد دست پیدا کرد. یکی از طرقی که می توان از آن برای بدست آوردن نظر عرف استفاده کرد، تحلیل وجدانی است. هنگامی که انسان مساله ای را به وجدان و مرتکزات خود عرضه می کند، می یابد که در برابر آن مساله به سوی یک موقف عملی مشخصی حرکت می کند و آن موقف عملی نزد وجدانش کاملاً واضح است به طوری که از فردی به فرد دیگر و از حالتی به حالت دیگر این وضعیت تغییری نکرده و همه افراد نیز همان موقف عملی را به دلیل تحلیل وجدانی اتخاذ می کنند و این مساله باعث اطمینان بیش از پیش شخص به وجدانیاتش خواهد شد. همچنانکه شیخ انصاری نیز در بحث از چگونگی تشخیص مصادیق لهُو در خارج، وجدان و یافت شخص را به عنوان مرجعی جهت تطبیق مصادیق عرفی معرفی می کند. راه دیگری که به نوعی شباهت به طریق قبلی دارد، این است که به مرتکزات و وجدانیات افراد دیگر رجوع شود. بررسی مرتکزات مردم پیرامون یک مفهوم و مصادیق آن می تواند فقیه را در کشف بسیاری از مفاهیم و مصادیق یاری کند. به عنوان مثال در مورد صدق عرفی ربا در مواردی که وام دهنده به جبران کاهش ارزش زمانی پول در مدت قرض، مقداری بیشتری از اصل پول

^۱ علیدوست، فقه و عرف، ۳۹۲.

^۲ جمعی از نویسندگان، الفائق فی الاصول، ۶۱.

^۳ انصاری، المکاسب، ۲۱۷/۳.

را برای پس گرفتن آن مطالبه کند، باید اذهان افراد عرف را مورد کاوش قرارداد که آیا چنین چیزی را از مصادیق ربا به شمار می‌آورند یا خیر؟^۱

راه دیگر کشف عرف استقراء می‌باشد به این بیان که نظر عرف در خارج موجود است و نمودی خواهد داشت؛ پس اگر تعدادی از افراد را مشاهده کردیم که علی‌رغم تفاوت‌های شخصی که باهم داشتند بر یک موضوع اتفاق نظر دارند، آن مساله را می‌توان به عنوان نظر عرف استظهار کرد. در برخی متون از این راه به عنوان عناصر شماری یاد شده و برخی حقوق دانان این راه را تنها طریق کشف نظر عرف معرفی کرده‌اند که می‌تواند در کشف عرف بسیار راهنما باشد.

نقل و شهادت نیز به عنوان یکی از راه‌های دیگر کشف عرف است به گونه‌ای که اگر به سبب کثرت نقل‌ها یا ضمیمه کردن قرائن و شواهد به علم یا اطمینان رسید، البته انی به شرطی که است که نقل مذکور شرایط حجیت را داشته‌باشد (مانند خبر واحد ثقه).

ادبیات موضوع

عرف:

عرف در لغت به معنای پی در پی بودن و تتابع اتصال، معرف و شناخت، امر شناخته شده بین مردم و عادی و عادت می‌باشد.^۷ در میان تمامی معانی ذکر شده برای عرف، به کاربرد آن در معنای امر متداول بین مردم و عادت مسلم می‌باشد. معنای اصطلاحی عرف نیز عبارت است از: «آنچه که مردم به آن عادت و مطابق آن سیر کرده‌اند اعم از قول یا فعل یا ترک که گاهی گروهی خاصی از مردم و گاهی عامه مردم به این شیوه رفتار کرده‌اند» یا تعریفی که بیان می‌دارد: «عرف همان استمرار عمل عقلا - از آن جهت که عاقل هستند - بر موضوعی است و گاهی از طریق عقلایی که منجر به بناء عرف می‌شود حکایت دارد و مراد از آن عرف عام است و مبداء این طریق عقلایی یا خبر خارجی است که به مرور جزو مرتکبات خواهد شد و یا شارع مقدس

^۱ علیدوست، فقه و عرف، ۳۹۶.

^۲ جمعی از نویسندگان، الفائق فی الاصول، ۶۰.

^۳ جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۶۰.

^۴ علیدوست، فقه و عرف، ۳۹۷.

^۵ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ۳۴۳.

^۶ قزوینی، معجم مقاییس اللغة، ۲۸۱/۴.

^۷ الفراهیدی و المخزومی و السامرائی، العین، ۱۲۱/۲.

^۸ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۷۲۸.

^۹ علیدوست، فقه و عرف، ۴۶.

^۱ البحرانی، المعجم الاصولی، ۳۱۵/۲.

است که با دستورات خود امری را جزو مرتکبات مردم می‌سازد و یا منشاء آن فطرت انسان‌هاست.» در تعریف دیگری اشاره شده است که: «فهم یا بنا یا داوری مستمر و ارادی مردم که به صورت قانون مجعول و مشروع نزد آن‌ها به خود نگرفته باشد.»

از عوامل شکل‌گیری عرف می‌توان به درک عقل، فطرت، وحی، اجبار حاکم و سلطان و... اشاره کرد. برخی منابع علت شکل‌گیری عرف را صرفاً عقل بیان می‌کنند و عقلا را بما هم عقلا، ایجادکننده عرف دانسته‌اند. برخی دیگر فطرت را علت برای شکل‌گیری و پیدایش عرف دانسته‌اند نظیر محقق نائینی که عرف را ناشی از فطرتی که حق تعالی در اذهان جهت حفظ نظام مرتکز کرده است، می‌داند. همچنین وحی نیز می‌تواند^۲ موجب پیدایش عرف گردد که در این صورت نام سیره متشرعه بر آن اطلاق می‌گردد. سلطه حاکمان نیز می‌تواند یکی از عوامل قهری برای پیدایش عرف باشد چنانچه محقق نائینی نیز بدان تصریح کرده است. عوامل دیگری نیز همچون مسامحه و راحت‌گزینی و... نیز می‌تواند از عوامل پیدایش عرف باشند.

عرف از یک منظر به اعتبار تعداد و نوع افرادی که آن را پذیرفته‌اند به سه قسم عرف عام العام، عام و خاص تقسیم می‌گردد. عرف عام عرفی است که افراد با چشم پوشی از زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، آن را پذیرفته و مطابق آن عمل می‌کنند. این قسم از عرف از زمانی به زمان دیگر و یا از مکانی به مکان دیگر تغییر نکرده و به همین اعتبار آن را عرف اعصار یا امصار نیز نامیده‌اند. عرف عام عرفی است که در میان اهل یک سرزمین یا دین یا مذهب یا... شیوع دارد و همه افراد آن محدوده بر آن توافق دارند و آن را پذیرفته‌اند اما همه ادیان یا اقوام از آن اطلاعی نداشته و در میان آنها رواج ندارد مانند زبان یک قوم که الفاظ را در معانی مربوط به آن که متعلق به همان منطقه است، استعمال می‌کنند. عرف خاص نیز عرفی می‌باشد که یا در یک منطقه خاص پذیرفته شده است و فقط افراد آن منطقه خاص مطابق آن عمل می‌کنند (عرف خاص مکانی) یا عرفی که در یک زمان توسط افرادی پذیرفته شده بود و در زمان دیگر رواج ندارد (نظیر بیع منابذه پیش از اسلام) (عرف خاص زمانی) و یا عرفی که در میان جماعتی خاص رواج دارد و مخصوص تمام اهل یک مکان یا زمان نیست بلکه به قشری خاص در منطقه‌ای خاص تعلق دارد که از آن با عنوان عرف خاص الخاص یاد می‌شود مانند اصطلاحاتی که میان اصناف مختلف در یک محل خاص رواج دارد. از حیثیت دیگری به دو قسم^۳ مقارن و غیر مقارن بنا بر تاخیر یا سبقت نسبت به موضوعات شرعی و اجتماعی قابل انقسام است. همچنین از نگاه دیگر عرف^۴ بنا بر دقت و یا مسامحه و بی‌دقتی و تخمین به دو قسم عرف دقیق و عرف مسامحی

^۱ نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۲/۳-۱۹۳.

^۲ علی‌دوست، فقه و عرف، ۶۱.

^۳ نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۲/۳.

^۴ هاشمی شاهرودی، دراسات فی علم الاصول، ۲۴۷/۴.

^۵ نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۳/۳.

^۶ شاطبی، الموافقات، ۵۰۹/۲.

^۷ خرازی، حقیقت عرف و اقسام و مبادی آن، ۱۵۳/۱۴.

^۸ واسعی، جایگاه عرف در فقه، ۴۳-۴۴.

^۹ منصور، دراسة موضوعية حول نظرية العرف و دورها فی عملية الاستنباط، ۵۵.

تقسیم می‌شود. در تقسیمی دیگر نیز عرف به اعتبار تطبیق یا عدم تطبیق با احکام و دستورات شارع مقدس به دو قسم صحیح و فاسد تقسیم می‌شود. عرف صحیح با دستورات شرع موافق بوده و برخی از دانشیان میان عرف صحیح و سیره عقلا فرقی قائل نیستند و عرف فاسد نیز با شریعت مخالف بوده و باعث گمراهی و عقوبت می‌گردد هرچند در بین مردم رواج داشته باشد مانند مشغول بودن مردم به لهو و لعب.

۳

کاربردهای عرف:

همانگونه که پیشتر اشاره شد، عرف به دلیل کاربردهای مختلف و پرشمار خود یکی از مهمترین مباحث فقهی به شمار می‌رود. برخی عرف را تابع یا ذخیره احتیاطی برای سایر ادله معرفتی کرده‌اند و برخی دیگر نیز آن را هم‌ردیف سایر مدارک و منابع استنباط حکم شرعی قرار داده‌اند؛ آن دسته از کسانی که معتقدند عرف در کنار سایر ادله نمی‌تواند منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی قرار گیرد و عرف را تنها در خدمت سایر ادله و دارای نقش آلی و نه اصالی می‌پذیرند، کاربردهای مختلفی در نقش ابزار برای عرف ذکر می‌کنند؛ به عنوان مثال، عرف می‌تواند مرجعی برای فهم مفاهیم مفردات به کار رفته در لسان ادله کاشف از حکم شرعی قرار گیرد. این کاربرد عرف برای همه قابل پذیرش است چرا که قانون‌گذار برعهده ما وظایفی قرار داده و این وظایف را از طریق خطابات شرعی به ما رسانده است و فهم ما از این خطابات را برای دانستن وظیفه و عمل به آن دارای حجت می‌باشد. همچنین از کاربردهای دیگر عرف به عنوان ابزار می‌توان مرجعیت آن جهت برداشت از ادله را نام برد. به عنوان مثال در فهم خطباتی که به صورت مطلق یا مقید ذکر شده‌اند، مراجعه به عرف می‌تواند راهگشای درک و تشخیص این مطلب باشد یا برای درک مناسبت میان حکم و موضوع، می‌توان به عرف مراجعه کرد یا در مواردی که می‌خواهیم اولویت عرفی را تشخیص دهیم. کاربرد دیگر که موجب اهمیت عرف در مباحث فقهی و اصولی شده، این است که در تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق به عرف مراجعه کنیم. البته برخی فقیهان این کاربرد از کاربردهای متعدد عرف را زیر سوال برده و مجالی برای عرف در تشخیص و تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق در نظر نمی‌گیرند. از دیگر کاربردهای غیراستقلالی عرف می‌توان به استفاده از عرف در قانون‌گذاری اشاره کرد. تاثیر عرف در فرآیند و نتیجه جعل، کیفیت و بیان حکم شرعی را نمی‌توان انکار کرد. همچنین شارع

^۱ موسوی خمینی، الرسائل، ۲۲۸/۱.

^۲ فیض، مبادی فقه و اصول مشتمل بر: بخشی از مسائل آن دو علم، ۲۲۴.

^۳ حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ۴۲۱.

^۴ عالی، نظام الدولة و القضاء و العرف فی الاسلام: دراسة مقارنة، ۴۲۱.

^۵ علیدوست، فقه و عرف، ۱۵۱.

^۶ انصاری، المکاسب، ۲۳۴/۴.

^۷ مددی، تقریرات درس خارج اصول/347/https://mfep.ir/home/osulsh-347 (96/09/05)

^۸ موسوی، کتاب البیع، ۳۸۱/۱؛ نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۷/۲۲.

^۹ نائینی، فوائد الاصول، ۵۷۴/۴.

^۱ علیدوست، فقه و عرف، ۲۸۲.

مقدس هم رویه دیگری را برای قانون‌گذاری به جز رویه معمول میان مردم اعلام نفرموده فلذا از شیوه آنان برای جعل و اعلام احکام شرعی و ضوابط استفاده و تبعیت نموده است.

اختلاف‌ها در استظهار عرف

با وجود اینکه هر فقیهی به هنگام استظهار نظر عرف ادعا می‌کند که وی توانسته نظر عرف در زمینه مربوطه را کشف کند اما در مواردی شاهد اختلاف میان نظرات هستیم. ذکر این قبیل موارد از آن جهت است که اگرچه فقیه بالوجدان نظر عرف را دریافته و آن را بدیهی معرفی کرده است ولی ادعای این مورد از سوی طرف‌های این اختلاف، لزوم وجود روش و چارچوبی مشخص برای کشف نظر عرف را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

در بحث دلالت جمله شرطیه بر مفهوم، عده‌ای قائل به وجود مفهوم برای آن شدند چرا که در وضع جمله شرطیه، قصد واضح این بود که شرط، علتی انحصاری برای جزا باشد تا علیت منحصره در ذهن عرف متبادر شود و به همین دلیل هنگام انتفاء شرط، نتیجه نیز منتفی شده و در نتیجه وجود مفهوم برای جمله شرطیه ثابت می‌شود؛ در مقابل برخی مانند آخوند خراسانی، صاحب کفایة الاصول، مدعی شده‌اند که جمله شرطیه بر مفهوم دلالتی ندارد مگر این که قرینه‌ای بر آن اقامه شود.

در مورد این که عرف چه چیزهایی را به عنوان مقومات مالیت قبول دارد، فقها دچار اختلاف شده‌اند. برخی از آنان در تحقق مفهوم مال، مورد رغبت بودن و ذخیره کردن آن برای زمان حاجت به آن را ذکر کرده‌اند و برخی دیگر منفعت، مورد رغبت بودن و کمیابی را از ملزومات تحقق مفهوم مال ذکر کرده‌اند و همچنین فقهایی بر طرف‌گننده نیاز بودن و نیز ناشی از کار بودن را جزو مقومات مفهوم مال دانسته‌اند.

در علم اصول در بسیاری از مباحث که بحث بر سر استظهار است مانند ظهور افعال و... در واقع بحث در این است که عرف چه تشخیصی در هنگام مواجه شدن با این موارد می‌دهد. برخی مدعی شده‌اند فهم عرف و قضاوت عقلا بر این است که صیغه «إفعل» ظهور در وجوب دارد و هر جا به کار رفته باشد، بر وجوب حمل می‌شود و اراده استصحاب از آن قرینه خاص می‌طلبد و

^۱ شهید ثانی، تمهید القواعد، ۱۱۰.

^۲ خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ۷۱۵.

^۳ خویی، مصباح الفقاهه، ۳/۲.

^۴ حکیم، نهج الفقاهه، ۳۲۵.

^۵ یروانی نجفی، حاشیة المکاسب، ۱/۱۶۵.

استعمال آن در این موارد ندبی، استعمال مجازی خواهد بود اما به بیان برخی دیگر از فقها، صیغه امر برای جامع بین طلب بین وجوب و استصحاب وضع شده است ولی اگر به نحو مطلق ذکر شود، وجوبی بودن طلب از آن فهم خواهد شد.

در تمسک به آیه «... احل الله البيع و حرم الربا...» برای تصحیح بیع معاطاتی نیز برخی ادعای اطلاق برای آیه شریفه کرده‌اند چرا که مولا در مقام بیان بوده است و می‌خواسته تمام معاملات بیع را تصحیح کند بنابراین بیع به غیر صیغه و... نیز که نام بیع بر آن‌ها اطلاق می‌شود را نیز می‌توان با اطلاق آیه شریفه تصحیح کرد اما در اینجا نیز برخی دیگر، اطلاق آیه مذکور را قبول نداشته و مولا را در مقام بیان ندانسته‌اند.^۵

با اشاره به موارد بالا به عنوان نمونه‌ای از اختلافات میان فقها مشخص گردید که تا چه اندازه‌ای نیازمند چارچوبی برای تعیین دقیق‌تر استظهارات عرفی می‌باشیم.

آمار

بر اساس تعریف انجمن آمار آمریکا، علم آمار عبارت است از علم یادگیری از داده‌ها، یادگیری از اندازه‌گیری و همچنین کنترل و تعامل با عدم قطعیت. تاریخچه آمار به قدمتی هزاران ساله بازمی‌گردد. در دوره باستان، انسان‌ها نیاز داشتند تا اطلاعات مربوط به جمعیت، خراج و منابع را جمع‌آوری کنند. در حوزه سیاست، تاریخچه آمار به دوره یونان باستان بازمی‌گردد، زیرا در آن زمان از آمار برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات سیاسی استفاده می‌شد.

در قرن شانزدهم، پیشرفت‌های بسیار مهمی در علم آمار به وجود آمد که به عنوان نمونه می‌توان به مطالعات گرانث درباره آمار حیاتی، بیمه و اقتصاد اشاره کرد. در دهه ۱۷۳۰، تعریف توزیع نرمال و سپس توسعه آن در سال‌های بعد، انقلابی بزرگ در عرصه علم آمار به شمار می‌رود. در اواخر قرن نوزدهم، مسائل مربوط به رگرسیون و همبستگی توسعه یافت و در پژوهش‌های اجتماعی به کار برده شد. در قرن بیستم استنباط آماری گسترش پیدا کرد و درباره توزیع آماری نمونه و فاصله اطمینان پژوهش صورت گرفت و این موارد به آمار استنباطی راه یافتند. بعد از جنگ جهانی دوم نیز به موارد مربوط به آمار ناپارامتریک پرداخته شد تا بتوان جوامعی که توزیع نرمال ندارند و نمونه‌هایی کیفی با تعداد پایین دارند را بتوان بررسی کرد.^۸

^۱ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۷۰.

^۲ عراقی، نه‌ایة الافکار فی مباحث الالفاظ، ۱۷۹/۱.

^۳ بقره: ۲۷۵

^۴ غروی، حاشیه کتاب المکاسب، ۱۰۸/۱.

^۵ رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ۱۰۰/۷.

^۶ Statistics

^۷ Graunt

^۸ آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۸/۱.

تاریخچه آمار نشان می‌دهد که این علم از زمان‌های اولیه تا به امروز تکامل یافته است و نقش مهمی در تحقیقات علمی، تصمیم‌گیری‌های سیاستی و تحلیل داده‌های بزرگ ایفا می‌کند. توسعه روش‌های آماری و فناوری‌های مرتبط به آمار در آینده نیز ادامه خواهد یافت و این علم بهبود و توسعه خواهد یافت تا به ما کمک کند تا داده‌ها را به بهترین شکل ممکن تحلیل و درک کنیم.

استفاده از آمار و داده‌های آماری و علم آمار در کشورهایی مانند ایران می‌تواند بسیار مفید و موثر باشد. در واقع، اطلاعات آماری و داده‌های آماری در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، بهداشت، آموزش، جمعیت‌شناسی، و سایر زمینه‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مهم در سطح کشوری و حتی محلی بسیار ارزشمند هستند. این اطلاعات می‌توانند به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کمک کنند تا راهبردها و سیاست‌های بهتری را برای حل مسائل و بهبود وضعیت جامعه اتخاذ کنند.

اما، برای استفاده موثر از داده‌های آماری در کشورهایی مانند ایران، چندین چالش وجود دارد که این شامل موارد زیر می‌شود:

۱. دسترسی به داده‌های کامل و دقیق: در بسیاری از موارد، داده‌های آماری و اطلاعات مربوطه در دسترس عموم نیستند یا کیفیت آنها پایین است. این مسأله می‌تواند موجب کاستی در تجزیه و تحلیل صحیح اطلاعات شود.

۲. استانداردسازی و کیفیت داده‌ها: اطلاعات آماری باید استانداردسازی شوند تا بتوانند مقایسه‌پذیر باشند و به تصمیم‌گیران در ارزیابی وضعیت کمک کنند. این موضوع نیازمند بهبود فرآیندهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها است.

۳. آموزش و توانمندی‌سازی: استفاده از داده‌های آماری به طور موثر نیازمند داشتن توانمندی‌های تحلیلی و فنی در جامعه است. این شامل آموزش افراد در زمینه تحلیل داده‌ها و همچنین استفاده از ابزارهای مرتبط مانند نرم‌افزارهای آماری است.

۴. حفظ حریم خصوصی و امنیت داده‌ها: در جمع‌آوری و استفاده از داده‌های آماری، حفظ حریم خصوصی افراد و امنیت داده‌ها بسیار مهم است و نیازمند سیاست‌ها و قوانین مربوطه است.

با این حال، با توجه به توانمندی‌های موجود و با اعمال تلاش‌های لازم برای حل چالش‌های موجود، استفاده از داده‌های آماری و علم آمار در ایران نیز می‌تواند بهبود و پیشرفت بسیاری را برای جامعه ایجاد کند.

در یک تقسیم‌بندی کلی علم آمار به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود؛ آمار توصیفی و آمار استنباطی که در ادامه به تبیین هر کدام می‌پردازیم. البته باید توجه داشت که با توجه به گره خوردن ایده اصلی مقاله با شاخه استنباطی آمار، این قسم از آمار با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آمار توصیفی^۱

شاخه ای از علم آمار است که در آن به سرشماری تمام عناصر جامعه پرداخته و در قالب شاخص هایی که به دو دسته مرکزی و پراکندگی تقسیم می شوند، اطلاعات مفیدی درباره جامعه در اختیار ما قرار می دهد. این شاخه از علم آمار در صدد است تا با ارائه تصویر اولیه از داده هایی که در ابتدا به صورت خام وجود دارد، محقق و آمار دان یا کاربر را در درک بهتر از جامعه مورد بررسی یاری رساند. شاخص های عددی و محاسبه و تحلیل آنها از مهمترین مباحث در آمار توصیفی هستند که خود به سه نوع مرکزی، پراکندگی و پراکندگی نسبی تقسیم می شوند.

شاخص های مرکزی توصیف کننده مرکزیت داده ها می باشند که عبارتند از میانگین، میانه و مد؛ میانگین به ما می گوید که در متوسط، داده ها به چه مقداری می رسند. میانگین معمولاً با جمع کردن تمام داده ها و تقسیم بر تعداد آنها محاسبه می شود. میانگین می تواند نقطه مرجعی برای ارزیابی داده ها و مقایسه مجموعه های مختلف باشد. مد بیانگر مقداری است که در مجموعه داده بیشترین بار تکرار می شود. به عبارت دیگر، مد نشان می دهد که کدام عنصر یا مقدار در داده ها بیشترین تکرار را دارد. میانه نیز مقداری است که دقیقاً در وسط مجموعه داده قرار می گیرد، به طوری که نصف داده ها بزرگتر از آن هستند و نصف دیگر کوچکتر از آن هستند.

همچنین شاخص های پراکندگی، میزان پراکندگی داده های جامعه را نسبت به مرکزیت خود نشان می دهند. این شاخص ها نشان می دهند که به چه میزان داده ها به مرکزیت خود متمایل بوده یا از آن انحراف دارند. دامنه تغییرات اولین شاخص پراکندگی است که فاصله میان کمترین و بیشترین داده را اندازه گیری می کند و بیان می دارد که حداکثر میزان پراکندگی داده ها چقدر است. واریانس دومین شاخص پراکندگی است که میزان متوسط اختلاف داده ها از میانگین را نشان می دهد و برای محاسبه آن باید ابتدا میانگین داده ها محاسبه شده و میانگین مربع اختلاف هر یک از داده ها نسبت به میانگین محاسبه شود. واحد واریانس به واحد مربع داده ها مربوط می شود. بنابراین، واریانس نشان می دهد که داده ها چقدر از میانگین پراکنده هستند. اگر واریانس بزرگ باشد، این نشان می دهد که داده ها پراکنده تر هستند؛ در حالی که واریانس کوچکتر نشانگر پراکندگی کمتر است. مشکلی که برای واریانس وجود دارد، یکای آن است که مربع شده یکای اصلی می باشد؛ به همین منظور اگر از واریانس یک جذر بگیریم، شاخص سوم بدست می آید که انحراف معیار نام داشته و شاخص خوبی برای سنجش پراکندگی داده ها نسبت به میانگین می باشد.

¹ Descriptive statistics

² Blommers & Forsyth, Elementary Statistical Methods in Psychology and Education, 332.

³ آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۱۵/۲.

شاخص های دیگری در آمار توصیفی نظیر ضریب تغییرات و ضریب چولگی و ضریب کشیدگی و... نیز وجود دارد که اکنون فرصت توضیح تفصیلی آنها وجود ندارد.

آمار استنباطی^۱

آمار استنباطی یک شاخه از آمار است که برای استنتاج و نتیجه گیری درباره جامعه بر اساس داده های نمونه استفاده می شود. در آمار استنباطی، اطلاعاتی که از نمونه ها به دست می آید، به منظور ارائه استنباطها و تصمیم گیری درباره جامعه هدف استفاده می شود. علت های گوناگونی برای صرف نظر از سرشماری و رجوع به نمونه و تعمیم نتایج به کل وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از هزینه، به روز بودن، صحت، زمان بر بودن، در دسترس نبودن و آزمون مخرب؛ قطعا نمونه گیری از سرشماری هزینه کمتری خواهد داشت به طوری که اگر بخواهیم به طور مثال از همه افراد جامعه مورد نظر درباره سوال تحقیق که به عنوان مثال میزان تحصیلات یا حقوق یا ... است مصاحبه بگیریم، هزینه بسیار هنگفتی را باید صرف نیروی انسانی، تجهیزات، رفت و آمد و... کنیم تا به پاسخ برسیم. همچنین زمان بسیار زیادی باید تخصیص داده شود تا از همه پرسش به عمل آمده و سرشماری انجام شود و به همین دلیل است که این کار با فواصل زمانی زیادی از هم ممکن است صورت گیرد برای مثال سالی یک بار و این باعث می شود تا اطلاعات به روزی در دسترس نباشد به خصوص در دنیای امروز که پویایی های ناشی از عوامل گوناگون به صورت لحظه ای جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. فلذا با استفاده از نمونه گیری میتوان به طور مداوم سنجش را انجام داد. همچنین برای سرشماری ممکن است اصلا برخی از اعضای جامعه در فواصل بسیار دوری باشند یا اصلا اکنون موجود نباشند و به همین دلیل نمی توان سرشماری را ولو با صرف هزینه و زمان زیاد صورت داد. دلیل دیگر نیز این است که گاهی با انجام آزمایش به عنوان مثال کنترل کیفیت، عنصر جامعه مورد آزمایش از بین می رود؛ در این صورت اگر بخواهیم سرشماری کنیم، به کلی تمام اعضای جامعه از بین خواهد رفت و نقض غرض صورت خواهد گرفت. بنابراین گریزی از نمونه گیری و تعمیم نتایج وجود ندارد و همین نقاط ضعف اشاره شده در آمار توصیفی، موجب ابداع و پیشرفت آمار استنباطی گشت.

حال که به اهمیت نمونه گیری پی بردیم، باید گفت راه های مختلفی برای نمونه گیری وجود دارد. در ابتدا این نکته حائز اهمیت به شمار می رود که نمونه خوب، نمونه ای است که به صورت تصادفی انتخاب شود. یعنی اساس احتمالات و آمار استنباطی مبنی بر این است که عنصر نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده است اما گاهی با استفاده از برخی تکنیک ها میتوان کاری کرد که نمونه انتخاب شده به صورت تصادفی، به شکل بهتری بیانگر جامعه باشد. به بیان دیگر در آمار استنباطی که هدف تعمیم نمونه به جامعه است، نمونه خوب نمونه ای است که بهتر خواص جامعه را در خود داشته باشد و بهتر نمایاننده جامعه باشد و

^۱ Inferential Statistics

^۲ Blackwell, Basic Statistics, 73.

این تکنیک‌ها باعث می‌شود تا این خصوصیت در نمونه انتخاب شده تقویت شود. در ادامه به سه تکنیک از مهمترین تکنیک‌های نمونه‌گیری که پژوهشگر را در اخذ نمونه بهتر از جامعه یاری می‌نماید، اشاره می‌شود:

۱- نمونه‌گیری سیستماتیک: یک روش نمونه‌گیری است که در آن نمونه‌ها با یک الگوی منظم از جامعه یا فهرست هدف انتخاب می‌شوند. در این روش، محقق یک قاعده یا الگوی مشخص را برای انتخاب نمونه‌ها اعمال می‌کند. نمونه‌گیری سیستماتیک مزایایی مانند نمونه‌گیری تصادفی و همچنین حفظ ترتیب و نظم در انتخاب نمونه‌ها دارد.

۲- نمونه‌گیری گروهی: در این روش نمونه‌گیری جامعه به گروه‌های کوچکتری تقسیم می‌شود که افراد هر گروه دارای ویژگی‌های مشابهی می‌باشند. پس از این تقسیم صورت گرفته، تعداد نمونه نسبت به هر گروه تعیین و نمونه‌گیری از هر کدام از گروه‌ها انجام می‌شود. نمونه‌گیری گروهی از مزایای زمانی و هزینه‌ای برخوردار است، زیرا جامعه به گروه‌های کوچکتر تقسیم می‌شود و تنها گروه‌های انتخاب شده نیاز به بررسی جزئی‌تر دارند. همچنین، این روش می‌تواند مفید باشد اگر دسترسی به تمام اعضای جامعه مورد سختی قرار بگیرد، به عنوان مثال، در مطالعاتی که نیاز به مصرف زمان و هزینه بالا دارند.

۳- نمونه‌گیری خوشه‌ای: هر گاه تمام اعضای جامعه در دسترس نباشند و جامعه بسیار بزرگ باشد، می‌توان از این روش استفاده کرد به این صورت که ابتدا جامعه به چند خوشه تقسیم بندی می‌شود و بعد یک یا چند خوشه به صورت تصادفی انتخاب شده و پس از آن از میان خوشه‌های تصادفی انتخاب شده، تعدادی عنصر به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. در این روش انتخاب مناسب خوشه‌ها و تعیین تعداد مناسب آنها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر خوشه‌ها به طور اشتباه انتخاب شوند یا تعداد آنها کافی نباشد، نتایج نمونه‌گیری خوشه‌ای ممکن است تبعیضی یا ناصحیح باشند.

گفته شد تحلیل در آمار به دو صورت انجام میشود: یا از طریق سرشماری اعضای جامعه و استفاده از فنون آمار توصیفی و یا با استفاده از نمونه‌گیری و تعمیم نتایج حاصل از نمونه به کل جامعه و بهره‌گیری از آمار استنباطی؛ آمار استنباطی شامل فنون تخمین آماری و آزمون فرضیه‌ها می‌باشد. این که از کدام راه به استنباط پردازیم به سوال تحقیق بستگی دارد. در این قسمت به هر کدام از این دو دسته فنون آمار استنباطی اشاره خواهد شد. همچنین باید اشاره شود که در موضوع مورد بررسی ما یعنی استظهار عرف از طریق آمار استنباطی، ما با فرضیه تحقیق مواجه هستیم. یعنی فقیه یا مکلف یک حدس عالمانه درباره این که چه چیزی مورد پذیرش عرف می‌باشد، دارد و با استفاده از فنون آزمون فرض آماری درصدد است تا فرضیه خود را تایید یا رد کند.

تخمین آماری:

تخمین آماری به معنای برآورد کردن یک پارامتر یا ویژگی مورد نظر در جامعه بر اساس اطلاعاتی (آماره‌ای) که از نمونه‌ای از جامعه به دست می‌آید است. هدف از تخمین آماری، تخمین تقریباً دقیق و قابل اعتماد مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی در جامعه است.

برای انجام تخمین آماری، ابتدا نمونه‌ای از جامعه برداشت می‌شود. سپس بر اساس اطلاعات موجود در نمونه، تخمینی از مقدار پارامتر یا ویژگی مورد نظر در جامعه به دست می‌آید. این تخمین معمولاً به صورت نقطه‌ای (تخمین نقطه‌ای) یا بازه‌ای (تخمین بازه‌ای یا فاصله‌ای) ارائه می‌شود. برای تخمین نقطه‌ای، یک تابع از داده‌های نمونه استفاده می‌شود تا تخمینی از مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی محاسبه شود. به عنوان مثال، میانگین نمونه می‌تواند تخمینی از میانگین جامعه باشد. تخمین نقطه‌ای برای تخمین پارامتر مورد نظر جامعه مفید نیست چرا که احتمال یک نقطه در یک بازه برابر صفر خواهد بود. تخمین بازه‌ای، به جای ارائه یک عدد، یک بازه اطمینان برای مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، میانگین نمونه همراه با بازه اطمینان ۹۵٪ می‌تواند تخمینی از میانگین جامعه باشد.

تخمین آماری باید با استفاده از روش‌های آماری صحیح و مناسبی انجام شود و باید مراقب بررسی دقت و اعتبار تخمین‌های خود بود. همچنین، نمونه‌گیری مناسب و اندازه‌گیری دقیق و جامع اطلاعات نمونه نیز از مباحث مهم در تخمین آماری است.

آزمون فرض آماری:

مجموعه فنون دیگری که در آمار استنباطی برای تعمیم نتایج حاصل از نمونه (آماره) به جامعه (پارامتر) از آن استفاده می‌شود، مجموعه فنون آزمون فرض آماری است که در آن پژوهشگر یک حدس عالمانه را به عنوان فرضیه خود در نظر گرفته و طی گام‌هایی که اشاره خواهد شد، مورد آزمون قرار می‌دهد تا ببیند که فرضیه وی تایید یا رد می‌شود. برای این که امکان دارد فرضیه یاد شده از سوی پژوهشگر درست یا نادرست باشد، دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود: یکی فرضی که ادعای صحیح را مطرح می‌کند و آن را H_0 نشان می‌دهند و دیگر فرضیه مکمل آن که نقیض آن را مطرح می‌کند و با H_1 نمایش داده می‌شود. یکی از مهمترین اقداماتی که پژوهشگر باید در این راستا انجام دهد، این است که فرضیه خود را در قالب آزمون فرض آماری صورت‌بندی کند؛ یعنی با توجه به فرضیه خود تشخیص دهد که H_0 و H_1 کدام می‌باشد. گاهی گفته می‌شود که ادعا همان

¹ Parameter

شاخص به دست آمده از جامعه آماری را با استفاده از همه‌شماری، پارامتر گویند.

² Statistic

شاخص به دست آمده از یک نمونه n تایی از جامعه را آماره می‌نامند.

³ Point estimation

⁴ Interval estimation

⁵ Fabian & Hannan, Introduction to Probability and Mathematical Statistics, 217.

⁶ Mendenhall & Reinmuth & Beaver, Statistics for Management and Economics, 833.

فرض صفر و نقیض آن فرض یک می باشد و بر این اساس باید صورت بندی فرضیات را انجام داد اما با کمی دقت می توان گفت مهم ترین قاعده ای که باید در صورت بندی فرضیه از آن تبعیت کرد، قاعده آزمون پذیری H_0 است. به بیان دیگر آن فرضیه H_0 است که دارای تساوی باشد و H_0 همواره در برگیرنده تساوی است و در مقابل نقیض آن یعنی H_1 خواهد بود. در گام بعدی باید سطح معناداری که همان خطای نوع اول است تعیین گردد. این مقدار که با α نمایش داده می شود بیانگر میزان احتمال آن است که H_0 درست باشد اما رد گردد. به بیان دیگر در آزمون فرض، فرض H_0 را رد کنیم اگر احتمال وقوع مقدار حاصل شده از آزمون آماری برابر یا کمتر از مقدار سطح معناداری یا همان α باشد. مقدار مرسوم برای انتخاب سطح معناداری 0.05 و 0.01 است که بسته به میزان حساسیت موضوع، این مقدار ممکن است تغییر کند.^۱

همچنین در این مرحله باید حجم نمونه نیز تعیین گردد. میزان حجم نمونه به عوامل مختلفی بستگی دارد از جمله مقیاس متغیر که کیفی یا کمی است، دقت بر آورد که نشان دهنده میزان دقتی است که تصمیم گیران مد نظر دارند، انحراف معیار جامعه که اگر جامعه دارای پراکندگی بیشتر باشد، جهت تعمیم آماره به پارامتر نیازمند نمونه بزرگتری هستیم تا بتواند بهتر خواص جامعه را در خود داشته باشد، سطح اطمینان و همچنین اندازه جامعه؛ با توجه به این عوامل، رابطه زیر تحت عنوان رابطه کوکران مطرح می شود که با توجه به آن می توان اندازه نمونه را بدست آورد:^۲

$$n = \left(\frac{Z_{\alpha/2} * \sigma_x}{\varepsilon} \right)^2$$

فرمول یاد شده در صورتی است که جامعه نامحدود یا به عبارت دیگر جامعه بزرگ باشد؛ اما اگر جامعه نامحدود بود، باید از رابطه زیر برای تعیین حجم نمونه استفاده نمود:^۳

$$n = \frac{N * Z_{\alpha/2}^2 * \sigma_x^2}{(N - 1)\varepsilon^2 + Z_{\alpha/2}^2 * \sigma_x^2}$$

البته در حال حاضر از نرم افزارهای اختصاصی بر آورد حجم نمونه نسبت به حجم جامعه نظیر G-Power و Sample Power استفاده می شود.

در مرحله بعد باید با توجه به پارامتر مورد نظر، آماره مناسب را انتخاب کرده و مقدار بحرانی تعیین شود. یعنی بر حسب نوع آماره آزمون مقدار استاندارد از جدول مربوطه به عنوان مقدار بحرانی استخراج شده و مقدار آماره محاسبه می شود و با توجه به سطح معنی داری تعیین شده در گام قبل، وضعیت آماره نسبت به نقطه بحرانی و سطح معناداری سنجیده شده و پس از مقایسه،

^۱ Newbold & Carlson & Thorne, Statistics for Business and Economics, 461.

^۲ آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۷۳/۲.

^۳ همان.

^۴ Critical Value

اگر مقدار محاسبه شده در ناحیه H_0 قرار گیرد، شواهد حاصل از نمونه‌ها در سطح اطمینان مورد نظر تایید کننده H_0 خواهند بود و در غیر این صورت، شواهد حاصل از نمونه‌ها در سطح معناداری α تایید کننده H_1 می‌باشد.^۱

در مساله مورد نظر ما یعنی استظهار عرف از طریق آمار استنباطی، همانطور که گفته شد، فقیه یا مکلف یک حدس عالمانه در باب این که نظر عرف درباره موضوع مورد نظر چیست در نظر می‌گیرد؛ پارامتر مناسب برای این گونه مسائل، P یعنی میزان موفقیت خواهد بود و آماره متناسب با آن نیز \bar{P} است. حال H_0 را می‌توان بزرگتر از $0/5$ در نظر گرفت اگر منظورمان از نظر عرف این باشد که بیش از نیمی از افراد جامعه به موضوع یادشده معترف و هم نظر باشند یا می‌توان میزان آن را تغییر داد. در این صورت آزمون از نوع یک دنباله به چپ خواهد بود. حال میزان α به گونه‌ای تعیین می‌شود تا فقیه یا مکلف اطمینانی هرچه بیشتر نسبت به نتیجه حاصل کند. این بحث در ادامه در راستای حجیت نتیجه در صورت یقینی بودن یا اطمینان بخش بودن به کار خواهد آمد و به طور مبسوط بحث خواهد شد. پس از آن آماره مربوطه یعنی \bar{P} محاسبه می‌شود و مقدار بحرانی هم مشخص می‌گردد و از مقایسه موارد یادشده، فرضیه رد یا تایید می‌گردد؛ یعنی مشخص می‌شود که مثلاً بیش از 50% درصد افراد جامعه مورد نظر به موضوع مورد بحث اقرار دارند یا خیر.

تطبيق

حال باید به سوال اصلی مقاله پاسخ داد که آیا می‌توان از ظرفیت آمار استنباطی برای گریز از محدودیت‌های سرشماری جهت بدست آوردن نظر عرف در مصادیق احکام شرعیه استفاده کرد یا خیر؟^۲ اولین نکته‌ای که شایان به ذکر است این است که فقها در بیان نظر خود از عرف، معمولاً از جهت احساسی و نه ادراکی نکته‌ای را به عرف نسبت می‌دهند. یعنی اینگونه نیست که اگر با حساب احتمالات محاسبه کنیم، اغلیت لزوماً هم نظر با فقها خواهند بود به گونه‌ای که مورد مشکوک را نیز بتوان به اغلب ملحق نمود، بلکه انسان به حسب طبیعتی که دارد، اگر یک چیز را برای دو یا چند بار مشاهده کند، این اتفاق در نفس او اثر گذاشته و با همان احساس بر آمده از این مشاهدات، متعلق مشاهدات خود را به کل تعمیم می‌دهد؛ در این باره باید گفت که می‌توان تناظری جهت احساسی و تصمیم‌گیری مبتنی بر شهود برقرار کرد. تصمیم‌گیری مبتنی بر شهود گونه‌ای از تصمیم‌گیری است که از عقلانیت فاصله دارد و مدیران اغلب در صورت عدم برخورداری از شواهد، داده‌ها و اطلاعات کافی به این نوع تصمیم‌گیری روی می‌آورند. سایمون، دانشمند علم مدیریت، رویکرد شهودی را استفاده از تجارب گذشته

^۱ Shavelson, Statistical Reasoning for the Behavioral Sciences, 409.

^۲ سیستانی، القواعد الفقهية، ۲۰۹-۲۱۱.

^۳ Intuitive decision making

^۴ Rationality

^۵ Evidence

^۶ Data

^۷ Information

می‌داند که در حافظه فرد باقی مانده و به هنگام تصمیم‌گیری بازیابی می‌شود. در این نوع از تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده یا مدیر ابتدا با توجه به علاقه و سلیقه خود گزینه را انتخاب کرده و در ادامه آن را برای اقدام در پیش می‌گیرد؛ در برابر این نوع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده مطرح می‌شود که می‌توان آن را متناظر با جهت ادراکی در نظر گرفت. در تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، داده‌ها براساس اهداف جمع‌آوری و پردازش شده و اطلاعات و دانش‌های مورد نیاز از دل آن‌ها استخراج می‌شود و مبنای تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت. این نوع تصمیم‌گیری از اتقان بالاتری برخوردار بوده و می‌تواند ضامن تصمیم و اقدام نزدیکتر به حقیقت شود. در زمینه استظهار عرف نیز باید گفت که با بهره‌گیری از آمار استنباطی و اتخاذ جهت ادراکی و رویکرد داده‌محوری، می‌توان به حقیقت نزدیک شد.

از طرف دیگر به دلیل محدودیت‌های سرشماری، آمار استنباطی با استفاده از نمونه‌گیری به تعمیم نتایج حاصل از برآوردهای نمونه به کل تحت شرایط و ضوابطی خاص و علمی و مبتنی بر محاسبات آماری و عقلی می‌پردازد. شاید از سوی عده‌ای خدشه وارد شود که این روش علمی، در دایره استقراء قرار می‌گیرد و مبتنی بر فقه امامیه، استقراء نیز مانند قیاس حجت نداشته و برای استنباط حکم شرعی نمی‌توان از آن استفاده کرد. در پاسخ باید گفت که با توجه به خطای بسیار پایین در نتایج مربوط به آمار استنباطی و همچنین توالد ذاتی و موضوعی دلیل استقرایی و مطابق با حساب احتمالات، دلیل استقرایی نیز می‌تواند مورد یقین واقع شود به این بیان که در دلیل استقرایی می‌توان با تکرار آزمایشات که در اینجا هم ارز با افزایش تعداد نمونه‌ها می‌باشد، تصدیق ظنی قوی ایجاد کرد و پس از آن از تصدیق به وجود آمده که احتمال صدق آن به دلیل بالارفتن تکرار آزمایشات زیاد شده، یقین به نتیجه متولد می‌گردد.

از سوی دیگر حجیت ظن انسدادی مطرح می‌شود به این بیان که سرشماری به دلیل محدودیت‌هایی که دارد، اعم از زمان، هزینه و...، امکان‌پذیر نمی‌باشد و همین مساله همانطور که گذشت، مبنای آمار استنباطی و ابداع آن بوده است؛ فلذا راه رسیدن به قطع و یقین با استفاده از سرشماری محال و غیرممکن است. در چنین شرایطی که نمی‌توان به واقع و حکم واقعی دست یافت و مکلف نیز نمی‌تواند بدون تکلیف و همراه با تحیر در مقام عمل بماند، فلذا شارع ما را متعبد نسبت به عمل به ظن کرده است. اما باید گفت که جعل حجیت برای ظنون در هنگام انسداد طریق واقعیت در این مساله کاربردی ندارد؛ چرا که مقدمات دلیل انسداد بر فرض تمامیت چه بناء بر کشف چه بناء بر حکومت، موضوعات و یا متعلقات احکام را اثبات نمی‌کنند.

¹ Intuition and Emotion. Academy of Management Perspectives, 57-64.

² Daft, Theory and Design, 154.

³ Data driven decision making

⁴ Provost & Fawcett, Data Science for Business: What You Need to Know about Data Mining and Data-Analytic Thinking, 35.

⁵ ایرج و سهرابی، علم داده: مفاهیم و مهارت‌ها، ۹۷.

⁶ محقق حلی، معارج الاصول، ۲۲۰.

⁷ صدر، الأسس المنطقية للاستقراء، ۱۵۶-۱۶۸.

⁸ حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ۱۵۳/۳؛ خمینی، تحریرات فی الاصول، ۱۰۵/۳.

نکته دیگر این است که وقتی فقیه یا مجتهد نسبت به عرفی بودن موضوعی حکم می‌کند، در واقع وجدان خود را گرچه با رویکرد احساسی بیان می‌کند که ممکن است مصاب به واقع باشد یا از جهل مرکب ناشی شده باشد ولی در هر صورت نسبت به وجدان خود قطع دارد. این که فقیه امری را وجدانی می‌داند یعنی احتمال خطا در آن نمی‌دهد و حجیت آن در حق وی به صورت ذاتی خواهد بود یعنی قطع وی در حق^۱ او حجیت دارد و این حجیت از ذات قطع است و از آن جدا نمی‌شود و شارع نمی‌تواند حجیت را از قطع وی جدا کند چرا که نسبت به آن علم و حتی بالاتر از آن (وجدان) ادعا شده و این علم وی برای او تکلیف آور خواهد بود و همراه با منجزیت و معذرت در حق او می‌باشد. حال اگر با استفاده از آمار استنباطی و آزمون فرض، فرضیه‌ای را مطابق نظر فقیه که ادعای وجدانی بودن آن را کرده است قرار دهیم (H_0) و نقیض آن را نیز معادل نقیض فرض قرار دهیم (H_1) و سپس با استفاده از روش شناسی آماری به بررسی فرض پردازیم و فرضیه تایید شود، روش علمی و امر وجدانی فقیه یکدیگر را تایید کرده و نظر وی تقویت خواهد شد. اما مساله این جاست که اگر نتیجه آزمون فرض با ادعای فقیه در تضاد و تناقض بود، باید چه کرد؟ همانطور که گفته شد، وجدانی بودن ادعای فقیه در حق وی حجیت ایجاد می‌کند و شارع نمی‌تواند حجیت ذاتی قطع وی را از او جدا کند و آمار استنباطی هم به دلیل قرار داشتن در دایره ظنون دارای حجیت نمی‌باشد اما در اینجا می‌توان با استفاده از آمار استنباطی و نتایج حاصل از آن، پایه‌های قطع فقیه یا مکلف را متزلزل کرد. در این فرض با استفاده از روش علمی، نتیجه‌ای برخلاف ادعای فقیه بدست آمد و باعث شد تا وی در درست و مطابق با واقع بودن وجدانیات خود تشکیک کند. در این صورت امر وجدانی وی نیز در دایره ظنون وارد شده و از حجیت ساقط می‌شود؛ از طرف دیگر استقراء و نتیجه آمار استنباطی نیز دارای حجیت نمی‌باشد. از طرف دیگر هم مکلف نمی‌تواند متحیر باشد و اینجاست که متمسک به اصول عملیه می‌شود. اصول عملیه مجموعه قواعدی هستند که در صورت خالی شدن دست فقیه از ادله و شک در حکم شرعی و تکلیف عملی، از سوی شارع برای آن جعل حجیت صورت گرفته است تا وظیفه مکلف روشن گردد؛ یعنی در این هنگام فقیه برای روشن شدن وظیفه عملی به سراغ اصول عملیه مطابق با موضوع مورد بررسی خود می‌رود.

به عنوان مثال شخصی را فرض کنید که می‌خواهد بداند آیا یک موسیقی خاص از مصادیق غنا به شمار می‌رود یا خیر؛ و نیز خود به وجدان خود می‌یابد که این موسیقی از منظر عرف، از مصادیق غنا است. حال اگر وی به سراغ آمار استنباطی رود و مشخص گردد که این موسیقی از مصادیق غنا هست که یقین وی مورد تقویت واقع می‌شود و اگر نتیجه آمار استنباطی، یعنی نمونه‌گیری و تعمیم آن به کل، این شود که این موسیقی از مصادیق غنا نیست، با توجه به این که آمار استنباطی در دایره ظنون قرار داشته و نتیجه آن در حق مکلف حجیت ندارد، نمی‌تواند برای تولید حجیت در باب غنا نبودن این موسیقی به نتیجه نمونه‌گیری و تعمیم آن به کل تمسک کند اما پایه‌های قطع اولیه وی نسبت به نظر عرف متزلزل شده و قطع وی از دایره قطع خارج و ملحق به دایره ظنون می‌شود. حال مکلف با دو ظن که هیچ یک در حق او حجیت ندارد، باقی می‌ماند و از طرفی هم

^۱ خویی، مصباح الاصول، ۳/۳۵۱.

^۲ صدر، درس فی علم الاصول، ۱/۶۸.

^۳ مظفر، اصول الفقه، ۲/۲۳۴.

نمی‌تواند متحیر باقی بماند. فلذا باید به اصول عملیه مراجعه کند که این مساله، مجرای برائت شرعیه خواهد بود و با اجرای برائت حکم به غنا نبودن آن موسیقی خاص می‌کند.

در میان عرف‌های مختلف، عرف خاص جهت استفاده از ابزار آمار استنباطی برای استظهار عرف مناسب‌تر است؛ در تفکیک بین عرف عام و عرف خاص، بیان شد که عرف عام در میان اهل یک سرزمین یا دین یا مذهب رواج دارد و بر سر آن توافق وجود دارد و عرف خاص در یک منطقه خاص یا در یک زمان خاص پذیرفته شده است. حال اگر بخواهیم نمونه‌گیری کرده و مطابق با قوانین و قواعد آمار استنباطی نتیجه را به کل تعمیم دهیم، به دلیل این که در عرف خاص، تعداد اعضای جامعه کمتر می‌شود و به تعبیری، جامعه محدود بوده و با توجه به توافق این جامعه محدود بر سر موضوع مورد نظر، واریانس و یا انحراف معیار جامعه کمتر بوده و نمونه با دقت بالاتری می‌تواند پارامتر مورد نیاز از جامعه را هدف‌گیری کرده و نتیجه درست‌تری را به ما نشان دهد.

نتیجه‌گیری

توجه به رویکردهای شواهد محور به جای رویکردهای شهودی، یکی از مهم‌ترین تغییرات در پارادایم‌های تصمیم‌گیری می‌باشد که در اغلب رشته‌ها و زمینه‌های علمی به آن توجه می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که نباید از این غافله عقب بماند، حوزه فقه و اصول است. گرچه استفاده از شواهد و مدارک نظیر استنباط از ادله اربعه، از ابتدای پیدایش این علوم توأمان وجود داشته است اما استفاده از شواهدی نظیر آمارهای عینی به جای تکیه بر شواهد ذهنی و تجربیاتی که امکان به وجود آمدن جهل مرکب در آن‌ها زیاد است، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مباحثی که فقیه یا مکلف می‌تواند از رویکرد شواهد محور یا داده محور به جای تکیه بر شهود خود استفاده کند، مساله استظهار عرف می‌باشد که به وسیله آمار استنباطی و اخذ نمونه و آزمون فرض آماری می‌تواند فرضیه خود را درباره نسبت دادن یک حقیقت به عرف بسنجد و فرضیه خود را رد یا تایید بنماید.

در هنگام استفاده از آمار استنباطی می‌توان ضریب اطمینان را تا ۹۵ یا حتی ۹۹ درصد بالا برد که به معنای این است که می‌توان خطا را تا ۵ یا حتی ۱ درصد کاهش داد. اینجا اطمینانی نسبت به مساله حاصل می‌شود که می‌تواند طبق نظریه توالد ذاتی و موضوعی دلیل استقرایی، این اطمینان از دلیل استقرایی نیز مورد یقین واقع شود و از آن‌جا که حجیت قطع ذاتی می‌باشد، نتیجه آزمون فرض آماری نیز می‌تواند در حق او حجیت داشته‌باشد.

اگر مورد یقین واقع شدن دلیل استقرایی را با توجه به امکان کاهش خطای آزمون فرض آماری تا حد یک درصد را نپذیریم و هنوز هم نتایج مربوط به آمار استنباطی را به دلیل نمونه‌گیری و تعمیم نتایج جز به کل و همراه بودن آن با خطای همیشگی ولو کوچک را در دایره ظنیات به شمار آورده و آن را فاقد حجیت بدانیم، باید گفت حداقل نتیجه این است که می‌تواند در صورت رد

¹ evidence

فرضیه فقیه یا مکلف مبنی بر نسبت دادن نظر عرف به یک حقیقت، پایه‌های قطع فقیه یا مکلف متزلزل شده و از این راه، فرض وی نیز وارد دایره ظنیات گردد که در این صورت باید بنابر اقتضای مسأله به اصل عملیه مناسب مراجعه گردد.

در هنگام انعقاد چندین عرف نیز، باید به عرف عام مراجعه کرد. یعنی اگر در یک موضوعی چندین عرف منعقد گردد به دلیل این که خطابات شارع مقدس القاء به عموم شده، باید عرف عام را ملاک قرار داد؛ به عنوان مثال در قضیه جنون، عرف عام به برخی از افراد لفظ مجنون اطلاق می‌کند اما در روانشناسی به طیف زیادی از افراد مجنون می‌گویند که هر یک از یک منظر خاص علمی که در آن علم مورد بحث قرار می‌گیرد، مجنون شناخته می‌شوند. در چنین مواردی که با تعدد عرف عام و خاص مواجه هستیم، عرف عام ملاک خواهد بود چرا که مخاطب شارع عموم هستند و در این صورت باید علی‌رغم پاسخگویی بهتر عرف خاص به نتایج آمار استنباطی که پیشتر اشاره شد، عرف عام را ملاک قرار داده و فرآیند نمونه‌گیری و تعمیم به کل را با توجه به آن انجام داد.

پیش‌پیش
انتشار

منابع

- قرآن کریم
- الالفی، محمد جبر. «العرف (بحث فقهی مقارن)». مجموعه مقالات موتمر اسلامی جده. ۱۴۰۹ق.
- البحرانی، محمد صنقور علی. المعجم الاصولی. قم: منشورات نقش. ۱۴۲۶ق.
- الشاطبی، ابراهیم بن موسی. الموافقات. گردآورنده: بن حسن آل سلمان. قاهره: دار ابن عفان. ۱۴۱۷ق.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد. ترتیب کتاب العین. گردآورنده: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. ۱۴۰۸ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. قم: مؤسسه الهادی. ۱۴۱۹ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. مطارح الانظار. گردآورنده: ابوالقاسم کلانتری. قم: مجمع الفکر الاسلامی. ۱۴۲۵ق.
- ایرج، حمیده؛ سهرابی، بابک. علم داده: مفاهیم و مهارت‌ها. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران. ۱۳۹۵.
- ایروانی نجفی، میرزاعلی. حاشیه المکاسب. تهران: کیا. ۱۳۸۴.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم. کفایة الاصول. تحقیق مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لاحیاء التراث. قم: موسسه آل‌البتیت (ع)، الاحیاء التراث. ۱۳۷۵.
- آذر، عادل؛ مومنی، منصور. آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۱۳۹۱.
- آذر، عادل؛ مومنی، منصور. آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۱۳۹۶.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۷۴.
- حکیم، سید محمد سعید. المحکم فی اصول الفقه. قم: موسسه المنار. ۱۴۱۴ق.
- حکیم، محمد تقی. الاصول العامة للفقه المقارن. تصحیح: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. ۱۴۱۸ق.
- خرازی، سید محسن. «حقیقت عرف و اقسام و مبادی آن». مجموعه مقالات کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد. ۱۳۷۴.
- خمینی، سید روح‌الله. الرسائل. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۰ق.
- خمینی، سید روح‌الله. کتاب البیع. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۴۲۱ق.

- خمینی، سیدمصطفی. تحریرات فی الاصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۴۱۸ق.
- خویی، ابوالقاسم. محاضرات فی اصول الفقه. ویراستار: محمد اسحاق فیاض. قم: انصاریان. ۱۴۱۰ق.
- خویی، ابوالقاسم. مصباح الفقاهه. گردآورنده: محمدعلی توحیدی تبریزی. قم: انصاریان. ۱۴۱۷ق.
- خویی، ابوالقاسم. مصباح الاصول. گردآورنده: محمدسرور واعظ حسینی. قم: مکتبه الداوری. ۱۴۲۲ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم. دراسات فی علم الاصول. گردآورنده: سیدعلی هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی. ۱۳۸۴.
- رازی، فخرالدین. تفسیر مفاتیح الغیب. بیروت: دارالفکر. ۱۴۰۱ق.
- راغب اصفهانی. حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. قم: ذوی القربی. ۱۳۸۳.
- سیستانی، سیدعلی. القواعد الفقهیه. گردآورنده: السید هاشم الهاشمی. قم: دارالتفسیر. ۱۴۴۱ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. تمهید القواعد. گردآورنده: مکتب الإعلام اسلامی. قم: مکتب الإعلام اسلامی. ۱۴۱۶ق.
- صدر، سیدمحمدباقر. الأسس المنطقية للاستقراء. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. ۱۴۰۶ق.
- صدر، سیدمحمدباقر. دروس فی علم الاصول. گردآورنده: لجنة التحقیق التابعة للمؤتمر العالمی للامام الشهید الصدر. قم: دارالصدر. ۱۴۲۹ق.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. نهج الفقاهه. تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی. قم: دار الفقه. ۱۳۷۹.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. گردآورنده: احمد الحسینی. تهران: مرتضوی. ۱۳۶۲.
- عالیة، سمیر. نظام الدولة و القضاء و العرف فی الاسلام: دراسة مقارنة. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع. ۱۹۹۷م.
- عراقی، ضیاءالدین. نهاية الافکار فی مباحث الالفاظ. گردآورنده: محمدتقی بروجردی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۶۳.
- علیدوست، ابوالقاسم. فقه و عرف. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۸.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر. ۱۳۷۵.
- غروی اصفهانی، محمدحسین. حاشیه کتاب المکاسب. تحقیق: الشیخ عباس محمد آل سباع. قم: دار المصطفی (ص) لإحياء التراث. ۱۴۱۹ق.
- فیض، علیرضا. مبادئ فقه و اصول مشتمل بر: بخشی از مسائل آن دو علم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۹۵.
- قزوینی، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالفکر. ۱۳۹۹ق.

- لجنة الفقه المعاصر. الفائق في الاصول. قم: انتشارات مركز مديريت حوزه علميه. ۱۳۹۷.
 - محقق حلي، جعفر بن حسن. معارج الاصول. گردآورنده: محمد حسين رضوي كشميري. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. ۱۴۰۳ق.
 - مددی، سيد احمد. تقريرات درس خارج اصول. ۱۳۹۶:
- <https://mfeb.ir/home/osulsh-347/>
- مظفر، محمدرضا. اصول الفقه. قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم. ۱۳۷۰.
 - منصورى، خليل رضا. دراسة موضوعية حول نظرية العرف و دورها في عملية الاستنباط. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم. ۱۳۷۲.
 - نائینی، محمد حسين. فوائد الاصول. گردآورنده: محمدعلي كاظمی خراسانی. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم. ۱۳۷۶.
 - نجفی جواهری، محمد حسن. جواهرالكلام في شرح شرائع الاسلام. گردآورنده: عباس قوچانی. بيروت: دار إحياء التراث العربي. ۱۳۶۲.
 - واسعی، سيد محمد. جایگاه عرف در فقه. تهران: كانون انديشه جوان. ۱۳۸۶.
 - Blackwell, D. Basic Statistics. McGraw Hill: January 1, 1969
 - Blommers, P; Forsyth, R. Elementary Statistical Methods in Psychology and Education, Second Edition. University Press Of America: April 19, 1983
 - Daft, R. Organization Theory and Design, 11th Edition. Cengage Learning: March 21, 2012
 - Fabian, V; Hannan, J. Introduction to Probability and Mathematical Statistics, First Edition. John Wiley & Sons Inc: January 1, 1985
 - Mendenhall, W; Reinmuth, J; Beaver, R. Statistics for Management and Economics, 7th Edition. South-Western College Pub: January 15, 1993
 - Newbold, P; Carlson, W; Thorne, B. Statistics for Business and Economics, 6th Edition. Prentice Hall: January 1, 2006
 - Provost, F; Fawcett, T. Data Science for Business: What You Need to Know about Data Mining and Data-Analytic Thinking, 1st Edition, Kindle Edition. O'Reilly Media: July 27, 2013

- Shavelson, R. Statistical Reasoning for the Behavioral Sciences, 3rd Edition. Allyn and Bacon: January 1, 1996
- Simon, H. A. Making Management Decisions: the Role of Intuition and Emotion. Academy of Management Perspectives, 1(1), 57-64.
doi: 10.5465/ame.1987.4275905

نسخه پیش انتشار